

## معرفی و نقد کتاب «نظامی گنجوی» شاعر الفصیله، عصره و بیسته و شعره»

محسن محمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

الهام سیدان

دانشجوی کارشناسی ارشد

نظامی، استاد مثنویهای داستانی و از ارکان مسلم شعر فارسی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع معانی و مضامین نو و دلپسند، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است. «راز مقبولیت کلام این حکیم سخنور موجب شده است که شیوه سخن و طرز داستان سرایی او به عنوان یک مکتب طرفداران بسیاری پیدا کند به طوری که به تقریب می‌توان گفت ۱۵۰ اثر به تقلید از مثنویهای پنج‌گانه نظامی سروده شده است. شهرت نظامی فقط منحصر به پیروی از آثار و بهره‌وری شاعران و گویندگان بعد، از اندیشه این شاعر بزرگ نیست، بلکه آوازه سخن و سحر کلام جادویی بزرگ سخنور گنجه، زمینه‌ایی برای پژوهش ایرانشناسان فراهم آورده تا به طور مشروح درباره زندگانی و آثار و افکار نظامی دست به نگارش و تألیف و ترجمه بزنند. به گفته آقای سعید نفیسی، گسترش آوازه نظامی در اروپا از سال ۱۷۸۶ م آغاز شد. در این سال کتابی در کلکته چاپ شد به اسم «جنگ آمیایی» که شامل منتخبات ادبیات ایران می‌شد و نزدیک بیست حکایت از مخزن الاسرار نظامی در آن بود و همان حکایات بار دیگر در سال ۱۸۰۲ م یعنی شانزده سال بعد در شهر لایپزیک آلمان با ترجمه لغات آن به لاتین با عنوان «نظامی شاعر و صاف و السانه سرا» چاپ شد<sup>۱</sup> و از این تاریخ به بعد توجه به نظامی و آثار او در قالب تألیف، ترجمه، شرح و یا گزینش اشعار در میان مستشرقین ادامه یافت و «چندی نگذشت که نظامی نیز مانند سعدی و فردوسی و حافظ و خیام در میان اروپائیان پایگاهی ارجمند یافت و پنجم ایشان شد و تا کنون هنوز این پایه را از دست نداده است»<sup>۲</sup>

اما با این حال آثار نظامی در مقایسه با دیگر شعرای فارسی مانند فردوسی، خیام، سعدی و حافظ که آوازه آنها در شرق و غرب گسترش یافته، چندان مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. پژوهشگران متأخر نیز این موضوع را مدّ نظر قرار داده اند. باخر هنگامی که از شعرای بزرگ فارسی همچون فردوسی، سعدی و جامی صحبت می کند می گوید: «نظامی نسبت به آنها در اروپا از شهرت چندانی برخوردار نمی باشد، زیرا که آثار چاپ شده او در هند به دست ما نرسیده است تا از آن بهره مند شویم»<sup>۴</sup>. و به گفته نیکسون: «پژوهشگران اروپایی تا هنگام انتشار مقاله باخر در سال ۱۸۷۱ م کمتر در آثار خود به نظامی توجه کرده اند و پیش از این تاریخ پژوهش انتقادی پیرامون خمسة نظامی صورت نگرفته بود؛ با وجودی که این امر برای کسانی که به مطالعه متون مشرق زمین می پردازند امری ضروری محسوب می شد. تقریباً می توان گفت که ترجمه کلارک از «اسکندر نامه بری» تنها اثر حائز اهمیت در این زمینه است و به طور کلی دلایل بی توجهی به شاعر مشهور و با استعدادی همچون نظامی را می بایست در پژوهشهایی که به زبان فارسی صورت گرفته جستجو کرد»<sup>۵</sup> و برتلس به نقل از جورج یعقوب می گوید: «چه بسا که نظامی به عنوان یک شاعر برتر از فردوسی بوده است هر چند که افرادی چون نولدکه و شاک شیفته او نبوده اند»<sup>۶</sup>.

محققان عرب نیز با توجه به تحقیقات و ترجمه های ارزشمندی که در حوزه ادبیات فارسی انجام داده اند، کمتر به نظامی و آثار او پرداخته اند. به عنوان مثال کتابهایی چون گلستان و بوستان سعدی تاکنون چندین بار به زبان عربی ترجمه شده و یا در مورد عمر خیام محققان عرب سخت شیفته رباعیات او هستند. استاد ادیب تقی دمشقی می گوید: «این همه عنایتی که به رباعیات خیام شده است مایه شگفتی است؛ با اینکه می دانیم این رباعیات از نظر ادبی بهترین تراوش قریحه ایرانیان نیست و مقام ادبی خیام نیز آنچنان بلند نیست که ادبای ایران نتوانند به آن برسند»<sup>۷</sup>.

یکی از تحقیقات ارزشمندی که راجع به نظامی در جهان عرب صورت گرفته، کتاب «نظامی گنجوی شاعر الفصیله، عصره و بیته و شعره» تألیف دکتر عبدالنعیم محمد حسنین است که در سال ۱۹۵۴ م در قاهره به چاپ رسیده است. دکتر عبدالنعیم محمد حسنین بعد از استاد عبدالوهاب عزام، موثرترین فرد در پایه گذاری زبان فارسی در دانشگاههای مصر است. ایشان در حدود چهل کتاب درباره زبان و ادبیات فارسی تألیف، ترجمه و یا تصحیح کرده اند، مانند: «ایران، ماضیها و حاضرها»، «اوران الشعر الفارسی»، «قواعد اللغة الفارسیة»، «قاموس الفارسیة» و ... همچنین مقالاتی به زبان فارسی در مجله دانش و آموزش و پرورش و مقالاتی هم به زبان عربی نوشته اند. رساله دکتری ایشان در مورد نظامی و مثنویهای پنج گنج بوده است و معتقدند که: «اگر نظامی اروپائی بود مطمئناً شأن جهانی به خود می گرفت. حکیم نظامی پیشتر از شکسپیر می زیسته و بهتر از او هم می سروده است. اما چون شرقی و مسلمان بوده، مشهور نشده است»<sup>۸</sup>. مبنای کار ایشان در تألیف کتاب نظامی گنجوی بر شعر شاعر، تاریخ سیاسی و اجتماعی زمان او و نیز زندگی شخصی شاعر بوده است. چنانکه در مقدمه شیوه کار خود را به این صورت بیان می کنند: «سعی بنده بر آن بوده که تا حد امکان به هواداری از شاعر و یا مخالفت با او اقدام نکرده و قضاوتی مبتنی بر دلایل کافی و منطقی ارائه

دهم و بر همین اساس به مطالعه و تحقیق پرداختیم. همچنین دریافتیم که مهم ترین منبع برای تحقیق پیرامون نظامی شعر اوست پس کوشش کردم همه آنچه را که مربوط به شاعر و زندگی شخصی و اجتماعی اوست. در شعرش جستجو کنم زیرا که تفاوتها در بین منابع مختلف به حدی فراوان است که نمی توان به آنها اعتماد کرد. و نیز پی بردم که شناخت تاریخ سیاسی و اجتماعی زمان نظامی برای فهم شعر او ضرورت دارد، زیرا که شعر شاعر تصویری از زندگی اجتماعی اوست که از آن متأثر شده و به همان نسبت هم بر آن اثر گذاشته است ... علاوه بر این از محیط شخصی اوست که شاعر در آن پرورش یافته از جمله محیط جغرافیایی، خانوادگی، اقتصادی و علمی بهره برده و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار داده ام.<sup>۱</sup> مولف همانطور که در مقدمه کتاب به این مطلب اشاره می کند، تمام تحقیقاتی را که در مورد نظامی تا زمان تألیف کتاب به زبانهای مختلف صورت گرفته، مورد مطالعه و بررسی قرار داده و از نسخه های خطی ارزشمندی که در کتابخانه های عمومی و خصوصی ایران و مصر موجود بوده، بهره برده است.

همانطور که پیش از این نیز ذکر شد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ هـ. ش / ۱۹۵۴ م در مصر منتشر شد و بسیاری از موضوعاتی که سالها بعد یعنی در سال ۱۳۷۰ هـ. ش در کنگره بزرگداشت نظامی ارائه شد، در حدود ۳۷ سال پیش در این کتاب مطرح شده بود. و در اینجا به جاست که حق تقدیم آقای عبدالنعیم محمد حسنین را در بسیاری مباحث نظامی شناسی یادآوری کنیم.

این کتاب ۵۲۷ صفحه دارد و در دو بخش با عناوین «الکتاب الاول»، عصر نظامی و بیته و التعریف به «و الکتاب الثاني - شعر نظامی» تنظیم شده است. آقای ابراهیم امین الشواربی مقدمه ای بر آن نوشته و سپس مؤلف شیوه کار خود را در مقدمه ای جداگانه بیان می کند. فهرستهای پایانی کتاب شامل فهرست منابع، اعلام، فهرست دولتها و شعوب و قبایل، امکان و جداول و صور است. مؤلف در بخش اول به بررسی عصر نظامی پرداخته و اطلاعاتی درباره سلاجقه، حکام آذربایجان، اسماعیلیه و نیز وضعیت علوم و فنون و دین در این دوره به دست می دهد و سپس موقعیت جغرافیایی گنجه و زندگی شخصی نظامی را بررسی کرده و در پایان به بیان مطالبی درباره نظامی، نام و لقب، تاریخ ولادت، میزان اطلاعات، شیوه فکری و مذهبی و تاریخ وفات او می پردازد. مؤلف در بخش دوم، شعر نظامی را به تفصیل بررسی کرده است. در مقدمه راجع به قالب مثنوی و نیز نسخ خطی موجود از خمسه نظامی مطالبی را بیان می کند و سپس در هفت بخش جداگانه به بررسی منظومه مخزن الاسرار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه؛ دیوان نظامی و هتر شعری او می پردازد. در بررسی هر یک از منظومه ها، ابتدا به بیان کلیاتی درباره آن پرداخته و سپس موضوعات هر یک از آنها را برمی شمارد. و در ضمن آن ابیاتی از هر منظومه را به عربی برگردانده است. در ضمن بررسی مخزن الاسرار آن را با حدیقه سنایی مقایسه کرده و وجوه اشتراک و اختلاف آنها را بیان می کند و سپس به این نتیجه رسیده که نظامی از سنایی پیروی کرده است. زیرا هر دو منظومه موضوع واحدی دارند که عبارت است از تهذیب اخلاق و گسترش فضایل در جامعه و لیکن در روش و اسلوب متفاوتند. مؤلف در ضمن بررسی منظومه خسرو و شیرین، تصویر فردوسی و نظامی را از این داستان مقایسه کرده و به بیان

این مطلب می پردازد که این داستانها اختلاف اساسی با هم دارند و هر کدام از آنها از روح حاکم بر سراینده آن و فضای حاکم بر جامعه متأثر شده است. روح فردوسی حماسی و روح نظامی غنایی است. سپس مؤلف به بیان این امر می پردازد که شخصیت شیرین در شاهنامه و منظومه نظامی تفاوت اساسی با هم دارند و در واقع نظامی، نظم این داستان را وسیله ای برای بیان آراء مذهبی خود قرار داده است. مؤلف پس از بررسی داستان لیلی و مجنون به مقایسه آن با اصل عربی می پردازد و تفاوتهای آنها را بر می شمارد. در ضمن بررسی داستان هفت پیکر به مقایسه تصویر فردوسی و نظامی از قصه بهرام گور پرداخته و در اسکندرنامه شخصیت اسکندر را در شاهنامه و منظومه نظامی با هم مقایسه کرده و اختلافات آنها را بیان می کند. سپس دیوان نظامی را بررسی کرده و درباره از میان رفتن قسمتهایی از دیوان و نیز شماره ابیات و نسخه های خطی و چاپی آن، محتویات دیوان و تاریخ نظم قصاید اطلاعاتی را ارائه می دهد و در پایان هم به بررسی هنر شعری نظامی، سبک شعری او و مزایای فنی آن می پردازد.

مؤلف در هر بخش قسمتهایی از منظومه مورد نظر را به عربی برگردانده است. هر چند که ترجمه برخی ابیات با نهایت دقت و مهارت صورت گرفته، اما در این کتاب هم مشکلات عمومی ایی که در ترجمه آثار ادبی وجود دارد، مشاهده می شود. در واقع مترجم در ترجمه یک اثر و یا شاهکار ادبی وظیفه خطیری بر عهده دارد تا بتواند ظرافتهای هنری و صنایع موجود در بیت را تا حد امکان به خواننده منتقل کند و گاه مترجم این امر را نادیده گرفته است. در اینجا ما ابیات ترجمه شده را به شش گروه تقسیم کرده و مورد بررسی قرار می دهیم.<sup>۱۰</sup>

گروه اول: ابیاتی است که تقریباً بدون تغییر و به صورت تحت اللفظی ترجمه شده و نمونه های فراوانی در این کتاب دارد. البته ابیاتی از این ویژگی برخوردارند که آرایه های لفظی و معنوی و یا تعقید در آنها کمتر وجود دارد. برای نمونه چند بیت را در اینجا ذکر می کنیم.<sup>۱۱</sup>

گفتن زمن از تو کار بستن      بیکار نمی توان نشستن  
(لیلی و مجنون، ص ۴۷)

ترجمه بیت: و ان القول منی و العمل منک، و لا یلیق ان تجلس بدون عمل  
ص ۹۳

جهان پهلوان نصره الدین که هست بر اعدای خود چون فلک چیره دست  
ترجمه بیت: بطل العالم نصره الدین، الذی انتصر علی اعدائه و کانه الفلک  
(شرفنامه، ص ۵۸)  
ص ۳۷

چون نظر عقل به غایت رسید      دولت شادی به نهایت رسید  
ترجمه بیت: أما اذا بلغ نظر العقل غایته، فان دولة السرور تنتهی.  
(مخزن الاسرار ص ۸۵)  
ص ۱۶۸

عهد جوانی به سر آمد مخسب      شب شد و اینک سحر آمد مخسب  
(مخزون الاسرار، ص ۹۵).

ترجمه بیت: ان عهد الشباب قد انتهى، فلانتم، و قد جاء الليل... و هذا هو السحر، فلانتم، ص ۱۷۲.  
چند نظامی در دنیی زنی      خیز و در دین زن اگر میزنی  
(مخزون الاسرار، ص ۹۸)

ترجمه بیت: یا نظامی ا الی متى تطرق باب الدنيا؟ ... استيقظ، و اطرق- اذا طرقت - باب الدین. ص ۱۷۳.

گروه دوم: ابیاتی است که مترجم در فهم معنای بیت و یا قسمتی از آن دچار اشتباه شده است. مثال:

در آن مدت که من در بسته بودم      سخن با آسمان پیوسته بودم  
گاهی برج کواکب می بریدم      گهی ستر ملایک می دریدم  
یگانه دوستی بودم خدائی      به صد دل کرده با جان آشنائی  
(خسرو و شیرین، ص ۳۵).

ترجمه بیت سوم: و كان لی صديق واحد هو ... عرفته بروحی و تفانیت فی عبادته بكل جوارحی. ص ۱۰۹.  
در بیت سوم مترجم «یگانه دوستی خدایی» را به صورت «صديق واحد هو...» ترجمه کرده و یگانه دوست شاعر را خداوند دانسته، در صورتی که هیچ صحبتی از خداوند در میان نیست و خدایی صفت نسبی برای دوست است. همچنین مترجم در فهم معنای مصراع دوم نیز دچار اشتباه شده است. مصراع دوم بیت به یگانه دوست شاعر بر می گردد که با تمام وجود در دوستی خود صادق و وفادار بوده است. اما مترجم مصراع دوم را چنین ترجمه کرده است: «با تمام وجود غرق در عبادت خدا شدم»

مفخر شاهان به توانائی      نامور دهر به دانائی  
خاص کن ملک جهان بر عموم      هم ملک ارمن و هم شاه روم  
(مخزون الاسرار، ص ۳۲).

ترجمه بیت دوم: ملك العالم جميعه، فهو ملك الأرمن و هو ملك الروم.  
مترجم «خاص کن ملک جهان بر عموم» را به صورت «ملك العالم جميعه» ترجمه کرده که معنای آن چنین است: «فرمانروای تمامی عالم». در حالی که منظور شاعر از خاص کردن، اختصاص دادن، بخشیدن و به نوعی تقسیم کردن اراضی حکومتی در بین فرمانروایان مختلف است.

این پرده دریده شد ز هر سوی      وان راز شنیده شد به هر کوی

زین قصه که محکم آیتی بود در هر دهنی حکایتی بود (لیلی و مجنون، ص ۶۳)

ترجمه ابیات: ففشا السر، و عرفت فی كافة الاماکن، و أخذ یسمع بروایات مختلفه، و أصبحت علی کل لسان روایة لهذه القصة المحبوكة.

بیت اول را به دو صورت می توان تفسیر کرد. برخی این و آن را صفت اشاره برای پرده و راز در نظر گرفته‌اند و گروهی مرجع ضمیر این و آن را «لیلی» و «مجنون» دانسته‌اند. در صورتی که معنای اول را در نظر بگیریم، بیت به صورت مفهومی ترجمه شده یعنی مترجم عبارت «این پرده، دریده شد ز هر سوی» را به صورت «ففشا السر» برگردانده و «وان راز شنیده شد به هر کوی» را به صورت «عرفت فی كافة الاماکن» ترجمه کرده و جمله ای نیز به ترجمه افزوده که ارتباطی به معنای بیت ندارد: «و أخذ یسمع بروایات مختلفه». اما در صورتی که معنای دوم را در نظر بگیریم، بیت مورد نظر به طور کلی اشتباه ترجمه شده است.

لیلی که چو گنج شد حصاری می بود چو ماه در عماری (لیلی و مجنون، ص ۱۰۰)

ترجمه بیت: فأصبحت لیلی محصورة كالكنز، و كالقمر داخل هالته.

در مصراع دوم مترجم عبارت «چو ماه در عماری» را به صورت «كالقمر داخل هالته» ترجمه کرده است؛ در حالی که در این بیت هیچ صحبتی از هاله ماه در میان نیست و منظور در پرده بودن لیلی و محجوب شدن او از انظار است و در واقع شاعر لیلی را در زیبایی همچون ماه دانسته‌اند که در عماری قرار گرفته و کسی قادر به دیدن او نمی باشد.

مجنون چو شنید پند خویشان از تلخی پند شد پریشان  
زد دست و درید پیرهن را کاین مرده چه می کند کفن را  
ترجمه بیت دوم: فلطم وجهه، و شق قمیصه ... و ماذا یستطیع أن یفعل غیر هذا؟

در بیت دوم مترجم جمله «فلطم وجهه» را در برابر «زد دست» آورده است، در حالی که منظور از این جمله دراز کردن دست به سوی پیراهن برای از هم دریدن آن است و عبارت «فلطم وجهه» به این معناست: «به صورت خود ضربه زد» و مورد نظر شاعر نمی باشد. در مصراع دوم نیز مترجم به طور کلی در فهم معنای بیت دچار اشتباه شده است. در اینجا مجنون خود را چون مرده ای دانسته و می گویند: این کفن (لباس) به چه درد من می خورد؟ یعنی اینکه به درد من نمی خورد و دیگر به آن نیازی ندارم. اما عبارت «و ماذا یستطیع أن یفعل غیر هذا» به این معناست: «جز این کار، چه کاری می توانم بکنم؟»

شرط هنرش تمام کردند قیس هنرش نام کردند (لیلی و مجنون، ص ۶۰)

ترجمه بیت: «سُرِّ بمولده و سماه قیس»

مترجم جمله «شروط هنرش تمام کردند» را به صورت «سُرِّ بمولده» ترجمه کرده که بدین معناست: «از ولادت او شادمان شدند». در حالی که صحبت از شادمانی پدر و مادر مجنون دو میان نیست و منظور شاعر از مصراع اول این است که پدر و مادر مجنون حق نامگزاری او را به خوبی انجام داده و نامی شایسته برای او انتخاب کردند. در مصراع دوم نیز مترجم صفت قیس یعنی «هنری» را در ترجمه نیاورده است.

زمین را یوسه ده در بزم شاهی  
جهان بخش آفتاب هفت کشور  
که دارد بر ثریا بارگاهی  
که دین و دولت از او شد مظفر  
(خسرو و شیرین، ص ۲۵)

ترجمه بیت دوم: «والذی هو واهب الحیاء، و شمس الاقالیم السبعه، و الذی اعتزُّ به الدین و الدوله. ص ۳۵»  
مترجم در بیت دوم ترکیب «جهان بخش» را به «واهب الحیاء» که به معنی حیات بخش است برگردانده، در حالی که بخشیدن به معنای تقسیم کردن و جهان بخش به معنای کسی است که جهان را در بین دیگران تقسیم می کند.

رسم هر بست کز پس شوی  
سالی دو به خانه در نشیند  
ننماید زن به هیچ کس روی  
او در کس و کس در او نبیند  
(لیلی و مجنون، ص ۲۳۶)  
ترجمه بیت دوم: «فتقل فی خیمتها عامین، لا تری باب أحد و لا یری أحد بابها. ص ۳۱۰»  
مترجم در مصراع آخر مفهوم عبارت «در کسی دیدن» را که مطابق با معنای دیدن و نگریستن است متوجه نشده و در نتیجه حرف اضافه «در» را به صورت «باب» ترجمه کرده است.

گروه سوم: ابیاتی است که به صورت آزاد و محتوایی ترجمه شده و قسمتی از زیباییها و ظرافتهای شعر در اثر این نوع ترجمه از بین رفته است، مثال:

سال جهان گرچه بسی در گذشت از سر مویش سر مویی نگشت  
ترجمه بیت: ان الدینا لم تتغیر، رغم انه قد مضت سنون کثیره من عمرها.  
(مخزن الاسرار، ص ۸۳)  
در مصراع دوم مترجم جمله «از سر مویش سر مویی نگشت» را به صورت «لم تتغیر» برگردانده و تنها مفهوم مورد نظر شاعر را در ترجمه آورده است.

گوینده داستان چنین گفت  
آن لحظه که در این سخن سفت  
(لیلی و مجنون، ص ۵۷)

ترجمه بیت: قال راوی القصة حينما شرع فی نظم الکلام.

ص ۲۹۰

مترجم عبارت « در این سخن سفت » را به صورت « شرع فی نظم الکلام » ترجمه کرده و تشبیه سخن به در را نادیده گرفته است.

آهی زد و راه کوه برداشت  
می گشت به گرد کوه و هامون  
رخت خود از آن گروه برداشت  
دل پر جگر و جگر پر از خون  
(لیلی و مجنون، ص ۲۰۷)

ترجمه ابیات: ثم صرخ و ترکهم، و قفل راجعاً الی الصحراء، و أخذیهم علی وجهه، و صار حزیناً مغموماً. در بیت اول مترجم عبارت « رخت خود از آن گروه برداشت » را به صورت « ترکهم » ترجمه کرده و در بیت دوم نیز « حزیناً مغموماً » را در برابر « دل پر جگر و جگر پر از خون » آورده و تنها مفهوم شعر را به عری برگردانده است.

به هر دایره کو زده ترکناز  
ز پرگار خطش گره کرده باز  
(شرفنامه ص ۶۰)

ترجمه بیت: أَنَّهُ قَدْ فَتَحَ كُلَّ حَصْنٍ هَجَمَ عَلَيْهِ  
ص ۳۸.

مترجم عبارت « به هر دایره کو زده ترکناز » را به صورت « کل حصن هجم علیه » ترجمه کرده و عبارت « ز پرگار خطش گره کرده باز » را به صورت « أنه قد فتح » آورده و تناسبی که بین الفاظ دایره، پرگار و خط وجود دارد را نادیده گرفته است.

گروه چهارم: ابیاتی است که در آنها قسمتی از تشبیه ها، استعاره ها و یا اشارات موجود در بیت حذف شده و بسیاری از صنایع لفظی و معنوی در ترجمه از بین رفته است. مثال:

هست در این دایره لاجورد  
مرتبه مرد به مقدار مرد  
(مخزون الاسرار، ص ۸۸)

ترجمه بیت: ان مرتبه الايمان في الدنيا على حسب قدره فيها.  
ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

در این بیت دایره لاجورد استعاره از دنیا است و مترجم « دایره لاجورد » را به صورت « دنیا » ترجمه کرده و در نتیجه استعاره موجود در بیت را نادیده گرفته است.

بهرام نژاد و مشتری چهر  
در صدف ملک منوچهر  
(لیلی و مجنون ص ۳۰)



ترجمة بيت: أنه من نسل بهرام، فهو مشرق الوجه، وهو ابن منوچهر العظيم.  
ص ۲۸

در این بیت شاعر ملک را به صدف تشبیه کرده و دوز استعاره از فرزند اوست که مترجم در برگردان بیت این تشبیه و استعاره را نادیده گرفته و به جای «در» کلمه «ابن» را آورده است.

درین افسانه شرط است اشک راندن گلابی تلخ بر شیرین فشاندن (خسرو و شیرین،  
ص ۴۳۰)

ترجمة بيت: تجب فيها اساله الدموع المرة على شیرین.  
در این بیت گلاب مشبه به برای اشک است و مترجم در برگردان بیت این تشبیه را نادیده گرفته است.

از بس که سخن به طعنه گفتند از شیفته ماه نو نهفتند (لیلی و مجنون،  
ص ۶۴)

ترجمة بيت: و كثر كلام القوم حول لیلی، فأخفاها اهلها عن أعین المجنون.  
در این بیت ماه نو استعاره از لیلی و شیفته استعاره از مجنون است. مترجم در برگردان بیت «شیفته» و «ماه نو» را به صورت «مجنون» و «لیلی» آورده و این استعاره را نادیده گرفته است.

از چشمه عشق ده مرا نور و این سرمه نکن ز چشم من دور (لیلی و مجنون،  
ص ۸۰)

ترجمة بيت: و امنحني النور من عین العشق، و لاتحرمني منه أبداً  
ص ۲۹۵

شاعر یکبار عشق را به چشمه پر از نور تشبیه کرده و بار دیگر آن را همچون سرمه ای دانسته که به چشم نور و روشنایی می دهد اما مترجم در برگردان بیت به جای سرمه، ضمیر «ه» را آورده که به «عین العشق» بر می گردد و در واقع تشبیه دوم را نادیده گرفته است.

خانه پر صیب شد این کارگاه خود نکنی هیچ به عیش نگاه (مخزن الاسرار، ص ۱۲۵)  
ترجمة بيت: العالم مملوء بالعیوب، ولكنک لاتنظر الی عیوبه مطلقاً.  
ص

۱۸۳

در این بیت «کارگاه» استعاره از دنیا است و مترجم این استعاره را نادیده گرفته و کلمه «العالم» را به جای «کارگاه» آورده است.

گروه پنجم: ابیاتی است که مترجم قسمتی از بیت مورد نظر را در ترجمه حذف کرده است. مثال:

خاک عرب از نسیم نامش خوشبوی تراز و حقیق جامش (لیلی و مجنون، ص ۵۷).

ترجمه بیت «فتعطرت بلاد العرب بذكره الحسن»

ص ۲۹۰

مترجم در برگردان بیت ترکیب «حقیق جامش» را حذف کرده و بیت را نیز به صورت محتوایی ترجمه کرده است.

هر شب زفراق بیت خوانان پنهان رفتی به کوی جانان (لیلی و مجنون،

ص ۶۵)

ترجمه بیت: و كان يذهب كل ليلة - متخفياً - الى بيت معشوقته - رغم بعد المسافة. مترجم عبارت «زفراق بیت خوانان» را در ترجمه نیاورده است. ص ۲۹۳.

ابوجعفر محمد کزسر جود خراسانگیر خواهد شد چو محمود (خسرو و شیرین،

ص ۱۸)

ترجمه بیت: ابوجعفر محمد، الذي سيصبح - مثل محمود - فاتحاً لخراسان. ص

۳۳.

مترجم عبارت «کز سر جود» را در ترجمه نیاورده و در نتیجه معنای بیت به طور کلی تغییر یافته است، زیرا که تکیه شاعر بر جود و سخاوت ابوجعفر محمد است در صورتی که این معنا از ترجمه ی بیت برداشت نمی شود.

بر خصم زند و بر شکستند کشتند و بریختند و خستند (لیلی و مجنون،

ص ۱۱۷)

ترجمه ی بیت: و أمتعوا في خصمهم قتلاً و جريحاً.

بیت مورد نظر ایجاز دارد و بار معنایی بالایی را در خود جای داده است و مترجم در برگردان بیت تمام معنا را به خواننده منتقل نمی کند زیرا که مصراع اول را به طور کلی حذف کرد و تنها مصراع دوم را ترجمه کرده است.

و آنان که نیوفتاده بودند مجنون لقبش نهاده بودند (لیلی و مجنون،

ص ۶۱).

ترجمه بیت: واشتهر امره و لقبه الناس بالمجنون

مترجم در برگردان بیت عبارت «آنان که نیوفتاده بودند» را به صورت «الناس» آورده است اما منظور شاعر کسانی است که گرفتار عشق نشده و با راه و رسم عاشقی بیگانه اند.

گروه ششم ابیاتی است که مترجم در اثر انتخاب نسخ نامعتبر در فهم معنای بیت دچار اشتباه شده است. در این جا ابیاتی را برای نمونه ذکر کرده و آن را با نسخه آقای وحید دستگردی مقایسه می کنیم:

شه مشرق که مغرب را پناهست	قزل شه کافسرش بالای ماهست
چو مهدی گر چه شد مغرب و ناقش	گذشته از سر حد مشرق یتاقش (خسروشیرین، ص ۲۵)
ترجمه بیت دوم: و هو كالشمس، و ان یكن مقره فی المغرب، الا ان سلطانه جاوژ المشرق.	ص

۳۵

بیت دوم در نسخه آقای وحید دستگردی به این صورت آمده است:

چو مهدی گر چه شد مغرب و ناقش	گذشت از سر حد مشرق یتاقش
مترجم به جای کلمه «مهدی»، «مهری» آورده و مهر را به معنای خورشید دانسته است.	
شهادت یافت از زخم بداندیش	که پاداش آنجهان پاداش ازین بیش

(خسروشیرین، ص ۴۸۵)

ترجمه بیت: استشهد بضریه من أحد اهل السوء. ستكون عاقبته فی الاخرة أوخم منها فی الدنيا.

این بیت در نسخه آقای وحید دستگردی به این صورت آمده است:

شهادت یافت از زخم بداندیش	که پاداش آنجهان پاداش ازین بیش
---------------------------	--------------------------------

در نسخه ای که مترجم انتخاب کرده کلمه پاداش در مصراع دوم تکرار شده و از زیبایی بیت کاسته است.

نتیجه:

نظامی در اروپا در مقایسه با دیگر شعرای فارسی از شهرت چندانی برخوردار نمی باشد و در جهان عرب نیز چندان مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است و تنها اثر حائز اهمیت در مورد نظامی در جهان عرب، کتاب «نظامی الکنجوی، شاعر الفضیله، عصره و بیته و شعره» تألیف دکتر عبدالنعیم محمدحسین است. این کتاب از لحاظ تحقیقات نظامی شناسی بسیار سودمند است. اما در بخش ترجمه اشعار، بسیاری زیباییها و ظرافت های شعر در ترجمه از بین رفته است. در واقع می توان گفت که سعی مترجم بیشتر بر این امر بوده که معنا و مفهوم بیت مورد نظر را به خواننده منتقل کنند و توجه چندانی به صنایع لفظی و معنوی بیت معطوف نکرده و در برخی موارد در فهم معنا نیز دچار اشتباه شده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب ذکر کرده که تمام نسخه های کتابخانه های عمومی و خصوصی ایران و مصر را مشاهده کرده، اما هیچ یک از نسخه های مورد نظر را معرفی نکرده و گاهی نیز انتخاب نسخ نا معتبر باعث اختلال در وزن یا معنای شعر شده است.

پی نوشتها:

- ۱- رادفر، ابوالقاسم؛ پژوهشهای نظامی شناسی در دیگر کشورها، مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، به اهتمام و ویرایش دکتر منصور ثروت، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱.
- ۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک. نفیسی، سعید؛ «نظامی در اروپا»، مهر، سال سوم (شهریور ماه ۱۳۱۴)، شماره ۴، صص ۳۲۹-۳۲۵.
- ۳- هما نجا، ص ۳۲۵.
- ۴- به نقل از: حسنین، عبدالنعمیم محمد؛ نظامی الگنجوی، شاعر الفضیله، عصره و بیته و شعره، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۵۴ م، ص ۱.
- ۵- هما نجا، ص ۲.
- ۶- هما نجا، ص ۲ و ۳.
- ۷- به نقل از: بیکار، یوسف حسین؛ «ادب فارسی در کشور های عربی [۳]»، جعفر شعار (مترجم)، مجله سخن، دوره ۲۳ (تیرماه ۱۳۵۳)، ش ۸، ص ۸۹۷.
- ۸- «مشاهیر شرق، کتمان غرب» (گفت و گو با دکتر عبد النعمیم محمد حسنین)، کیهان فرهنگی، سال نهم (آذرماه ۱۳۷۱)، ش ۹، ص ۱۵.
- ۹- حسنین، عبدالنعمیم محمد؛ نظامی الگنجوی، ص ۱۰ و ۱۱.
- ۱۰- شایان ذکر است که در برخی از ابیات چند مورد از موارد یاد شده مشاهده می شود و هر بیت را با توجه به برجسته ترین ویژگی آن در گروه مورد نظر قرار داده ایم.
- ۱۱- البته در ترجمه این اشعار جابه جایی هایی در ترتیب اجزاء جمله صورت گرفته اما به طور کلی ترجمه مطابق با اصل است.

### کتابنامه:

- ۱- آذرتاش، آذرنوش؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ج دوم، نی، تهران ۱۳۸۱.
- ۲- یگار، یوسف حسین؛ «ادب فارسی در کشورهای عربی [۱]»، جعفر شعار (مترجم)، مجله سخن، دوره ۲۳ (ارویبیهشت ماه ۱۳۵۳)، ش ۶، صص ۶۲۳-۶۳۳.
- ۳- \_\_\_\_\_؛ «ادب فارسی در کشورهای عربی [۲]»، جعفر شعار (مترجم)، مجله سخن، دوره ۲۳ (خرداد ۱۳۵۳)، ش ۸، صص ۷۵۵-۷۶۱.
- ۴- \_\_\_\_\_؛ «ادب فارسی در کشورهای عربی [۳]»، جعفر شعار (مترجم)، مجله سخن، دوره ۲۳ (تیرماه ۱۳۵۳)، ش ۸، صص ۸۹۷-۹۱۶.
- ۵- حسنین، عبدالنصیم محمد؛ نظامی الکنجوی، شاعر الفصیلة عصره و بیته و شعره، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۵۴ م.
- ۶- رادفر، ابوالقاسم؛ پژوهشهای نظامی شناسی در دیگر کشورها، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد نظامی گنجوی، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، ج ۲، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲، صص ۱-۱۲.
- ۷- رادفر، ابوالقاسم؛ کتابشناسی نظامی گنجوی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۸- «مشاهیر شرق، کمان غرب» (گفتگو با دکتر عبدالنصیم محمد حسنین)، کیهان فرهنگی، سال نهم (آذرماه ۱۳۷۱)، ش ۹، صص ۱۴-۱۷.
- ۹- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، وحید دستگردی (مصحح)، چ سوم، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۴.
- ۱۰- نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، وحید دستگردی (مصحح)، چ دوم، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۳.
- ۱۱- نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، وحید دستگردی (مصحح)، چ دوم، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۳.
- ۱۲- نظامی گنجوی؛ هفت پیکر، وحید دستگردی (مصحح)، ابن سینا، تهران، ۱۳۱۵.
- ۱۳- نظامی گنجوی؛ شرفنامه، وحید دستگردی (مصحح)، چ دوم، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۵.
- ۱۴- نفیسی، سعید؛ نظامی در اروپا، مجله مهر، سال سوم (شهریور ماه ۱۳۱۲)، ش ۴، صص ۳۲۵-۳۲۹.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.